



نسل کشی یا جنایت علیه بشریت

بوسيله امپرياليسټ ټا، نازيسټ ټا و صهيونيسټ ټا در روشنی اسناد معتبر حقوق

بشری

مر.ح «حریف»

آلمان - آگست ۲۰۲۴

پیشگفتار

مراد وهدف از نوشتار موجود بررسی وکنجاوی واژه ویا پدیده زشت وزندگی برانداز «نسل کشی» بوده که پیوست به آن جنایات جنگی ویانسل کشی آشکاری که بوسیله دولت ها وحاکمیت های جنگ افروز، متجاوزو اشغالگرچون فاشیست های هتلری ، امپریالیست ها ، بخصوص ودر زمان حاضر بوسیله ی صیهونیست های اسرائیل وشرکا درراس واشنگتن ازتاریخ ۷ اکتوبرسال ۲۰۲۳ درسرزمین های فلسطین اشغالی تحمیل شده ، به بررسی گرفته میشود.

اصطلاح نسل کشی که به عنوان هدفی برای نابود کردن گروه خاصی از مردم تعریف می شود، برای اولین بار در زمان وحشت ودهشت «هولوکاست» در جریان جنگ جهانی دوم به کار برده شد. البته ژینوساید تنها به معنای نابودی فیزیکی یک جمعیت ملی، نژادی یا مذهبی نیست بلکه دارای ابعاد دیگری نیز هست ؛ نظیر ژینوساید بیولوژیک چون ممانعت از رشد جمعیت گروههای مورد نظر، ژینوساید ملی - فرهنگی مانند ممنوعیت سخن گفتن به زبان مادری و تخریب اماکن تاریخی و سایر میراث های فرهنگی یک گروه مورد هدف و ژینوساید اقتصادی مانند ویران کردن زیر ساخت ها، شهرها و آبادی ها و غارت اموال.

در سال ۱۹۴۴ «رافائل لمکین» ، وکیل یهودی . پولندی ، این اصطلاح را قسماً در پاسخ به قتل های گروهی ، برنامه ریزی شده وهدفمند یهودیان توسط ماشین جنگی هیتلردرآلمان نازی به کار برد. لمکین که تمام خانواده خود را به استثنای برادرش درجریان هولوکاست از دست داده بود.تلاش کرد تا نسل کشی به عنوان یک جنایت جنگی براساس قوانین بین المللی به رسمیت شناخته شود. او راه را برای تصویب «کنوانسیون نسل کشی» سازمان ملل متحد درسال ۱۹۴۸ هموار کرد. کنوانسیون متذکره که یک روز قبل از صدوراعلامیه جهانی حقوق بشر(۱۰ دسامبر۱۹۴۸) ، شامل ۱۹ اصل به تصویب رسید، در سال ۱۹۵۱ نافذ واجرای شد.

بهرترخواهد تا نسل کشی را به حیث اقدام عمدی ، به دوراز قواعد جنگ های متعارف که درنهایت میتوان به آن «جنایت جنگی» نیزعنوان داد ، در روشنی «کنوانسیون نسل کشی» تدوین شده ی ۹ دسمبر ۱۹۴۸ سازمان ملل به بررسی بگیریم.

براساس اصل اول کنوانسیون نسل کشی :

«طرف های متعاقد، تأیید و تصدیق مینمایند که نسل کشی یا (جنوساید) درمواقع جنگ و یا صلح براساس قوانین جهانی جرم محسوب میشود.»

کنوانسیون نسل کشی (جنوساید) ، طی اصل دوم خود نسل کشی را چنین تعریف نموده است:
« هر اقدامی که به قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی ، قومی، نژادی یا مذهبی انجام شود، نسل کشی بشمار می آید.»

همچنان مطابق مندرجات کنوانسیون منع نسل کشی یکی از اعمال زیرنیز در زمره ی نسل کشی و یا جنوساید محسوب میشود:

۱ صدمه شدید به سلامتی جسمی و یا روحی افراد گروه.

۲ قراردادن عمدی گروه در معرض زنده گی نامناسب که منجر به زوال قوای جسمی ، کلی و یا قسمی آن شود.

۳ اتخاذ اقدامات بخاطر جلوگیری از تولد و تناسل گروه.

۴ انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.

کنوانسیون متذکره شرکای جنایت نسل کشی را بصورت آتی به معرفی میگیرد:

- مشارکت مستقیم در کشتار جمعی.

- تبانی بخاطر ارتکاب نسل کشی.

- تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب نسل کشی.

- شروع به ارتکاب جرم جنوساید.

- و شراکت در جرم جنوساید.

کنوانسیون فاعلین و شرکا ، شامل رهبران منتخب ، اعضای حکومت ، مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی را قابل مجازات میداند.

کنوانسیون طرف های متعاقد چون دولت ها و حکومتات را ملزم میداند تا مندرج قوانین اساسی شان، تدابیری را جهت اجرایی ساختن مواد کنوانسیون ذکر شده بگنجانند.

اشخاص متهم به ارتکاب جرم نسل کشی ، در دادگاه باصلاحیت کشوری که جرم در آنجا ارتکاب یافته و یا دادگاه جزایی جهانی که از طرف متعاهدین به رسمیت شناخته شده ، جلب میشوند.

دیوان کیفری بین المللی مکلفیت دارد که نسل کشی ، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را بررسی و عاملان را به محکمه بکشاند. طبق اساسنامه این دیوان ، هرکس مرتکب نسل کشی شود، دستور آن را بدهد ، به نسل کشی کمک و یا تحریک کند ، قابل پیگرد قانونی است.

یک دادگاه جداگانه بنام محکمه بین المللی دادگستری در لاهه به اختلافات بین دولت ها رسیده گی کرده و همچنین صلاحیت دارد، حکم کند که دولت ها مسئول نسل کشی هستند.

مطابق پیش بینی اصل ۸ کنوانسیون نسل کشی ، هریک از متعاهدین ، شامل دولت ها و حکومتات اجازه دارند تا از مراجع با صلاحیت سازمان ملل مطالبه نمایند که بر مبنای اصل ۳۰ منشور سازمان ملل ، بخاطر جلوگیری و مجازات نسل کشی اقدامات مقتضی را به عمل آورده و به همین ترتیب مرتکبین عمل جرمی نسل کشی را نیز به معرفی گرفته و طالب تعقیب عدلی شان در دادگاه جزایی جهانی شوند.

براساس متن کنوانسیون نسل کشی ، موارد اختلافی میان دولت ها و حکومت ها در زمینه ی تفسیر و تطبیق مواد کنوانسیون ، به اثر درخواست یکی از طرف های اختلاف ، موضوع به «دیوان جهانی عدالت» محول میشود.

بعد از تاریخ انفاذ یعنی اول جنوری سال ۱۹۵۰ ، دولت های عضو و غیر عضو میتوانند به کنوانسیون نامبرده ملحق شده که این الحاق تا ۱۰ سال ادامه می یابد. وقتی ۶ ماه قبل از انقضای مدت متذکره کدام اعتراضی مطرح نشود ، مدت الحاق تا ۵ سال دیگر تمدید میشود. همین اکنون به تعداد ۱۵۳

کشور عضویت کنوانسیون نسل کشی را دارد. آمریکا ۴۰ سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۸ به کنوانسیون نسل کشی ملحق گردید.

«دیوان بین المللی عدالت» که رکن قضایی سازمان ملل به شمار می رود، از سال ۱۹۴۶ رسماً به فعالیت اش در شهر لاهه کشور هلند آغاز نموده است، دارای ۱۹۳ عضو میباشد. مسایل اختلافی میان کشورهای عضو در مورد روابط میان آنها و تشخیص قضایا و یا شکایات کشورها قبل از دادگاه بی شدن، همچنان بررسی و مذاکره قضایی اتهامات مبنی بر ارتکاب جنایات جنگی را رسیده گی قضایی نموده و نتایج آنرا به شورای امنیت سازمان ملل ارسال می نماید. هرگاه فیصله دادگاه عدالت جهانی ایجاب نماید تا موضوع به دیوان جزایی جهانی ارجاع شود، شورای امنیت آنرا به محکمه جزائی بین المللی گسیل میدارد. به ارتباط ارتکاب جنایت نسل کشی نیز پروسه متذکره مورد اجراء قرار میگیرد.

برای اولین بار و بصورت رسمی کاربرد واژه «نسل کشی» مندرج اتهامنامه های دادستانهای محاکم نظامی «نورنبرگ آلمان» مطرح شد که از ماه نومبر ۱۹۴۵ تا اکتوبر سال ۱۹۴۶ تدویر یافت. متهمان در دادگاه متذکره به اتهام های جنایت علیه صلح، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت مورد محاکمه قرار گرفتند. بر مبنای گاه شمار تاریخی در زمینه نسل کشی، بعد از کشف امریکا بوسیله دریانوردان اسپانیایی در سده ی ۱۶، بزرگترین و خشن ترین نسل کشی و قتل عام سرخ پوستان امریکا بوسیله اشغالگران اروپایی چون اسپانیه، فرانسه و انگلیس به منظور سلطه قومی بر قاره ی امریکا و دستیابی به املاک و اموال سرخ پوستان صورت گرفت.

بعدها در نیمه دوم سده ی ۱۹، امریکایی ها، با کوچ دادن اجباری و خشونت بار، که جنگ های را هم به دنبال داشت، نقش بزرگی در نسل کشی سرخ پوستان امریکای شمالی ایفا نمودند. بر اساس مدارک و مستندات تاریخی، جنگ های متذکره نزدیک به ۱۰۰ میلیون کشته بجا گذاشته که در ردیف دراز ترین و پرتلفات ترین جنگ های تاریخ بشریت بشمار می آید. امریکایی ها برای توجیه این همه نسل کشی ها چنین استدلال می نمودند که «سرخ پوستان بایستی رفتار غیرتمدنانه خود را کنار گذاشته و به جامعه ی انسانی و متمدن مسیحی مبدل شوند»!

به همین ترتیب امپراطوری ترکان عثمانی طی سالهای جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و تا ۱۹۲۳ که منجر به فروپاشی امپراتوری عثمانی گردید، بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار ارمنی ی عمده تن یونانی تبار را به هدف حذف سیستماتیک قومی و نسل کشی بصورت مستقیم و غیر مستقیم به قتل رسانیدند، طوریکه به هدف «حل مسایل ارامنه» سدها هزار ارمنی را که جمعیت باقیمانده امپراتوری عثمانی بودند، بخاطر هلاک ساختن آنها، پای پیاده روانه بیابان های بی آب و علف سوریه نموده که طی این راه پیمایی های اجباری بنا بر نبود آذوقه، درجه بالای گرمی هوا، طولانی بودن راه و شدت عمل نگهبانان ایشان به هلاکت رسیدند، آنها ساکنان کشورهای همسایه چون سوریه، روسیه و عراق بوده و تعداد آنها از ۲۰۰ هزار تا یک میلیون تن تخمین زده شده است. بر علاوه به هدف نسل کشی و حذف قومی، هزاران ارمنی را از سراسر امپراطوری شان جمع آوری و به قتل رسانیدند.

دولت کنونی ترکیه به رهبری رجب طیب ادوغان، بحیث وارث امپراتوری ترکیه عثمانی هرگز به نسل کشی اعتراف ننموده، کشته شده گان را که عمده تن یونانی بودند، متهم به همکاری به دشمنان امپراتوری متذکره یعنی روسیه نموده و نسل کشی شانرا دفاع از خود عنوان داده اند، در حالیکه کشور های متفقین در جنگ جهانی اول آنرا نسل کشی و جنایت علیه بشریت بشمار می آوردند.

وقتی آدلف هتلدر جنوری ۱۹۳۳ بعنوان صدراعظم آلمان منتصب گردید، کنفرانس خلع سلاح ژینو راترک و از جامعه ملل خارج شد. در سپتمبر ۱۹۳۹ با حمله باپولند جنگ جهانی را آغاز و از جمله اهداف اجتماعی هتلر همانا تغییر ساختار قومی و جمعیتی اروپا بود. بخاطر تحقق این سیاست، کشتن تمام یهودان اروپایی که از آن بنام «هوکاست» یاد میشود، همچنان قتل عام اکثریت جت های (جامعه کولی) اروپا و در نهایت از بین بردن رهبری و قشر حاکم پولند و اتحاد شوروی (کمونیست ها) می باشد، که میتوان از

آن به عنوان پاکسازی قومی نام برد، این جابجایی های مجدد توام باکشتار و خشونت های ظالمانه همراه بوده است.

بنابر گزارش کمیته یهودیان آمریکا، تعداد یهودیان پولند از سه میلیون نفر در سال ۱۹۳۳ به ۴۵ هزار نفر در سال ۱۹۵۱ رسید. این در حالی است که تعداد یهودیان بریتانیا از سیصد هزار نفر در سال ۱۹۳۳ به ۴۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۵۰ افزایش یافت.

طبق اعلام موزه ی یادبود هولوکاست در آمریکا، تعداد یهودیان درکل اروپا از ۹ و نیم میلیون نفر در سال ۱۹۳۳ به ۳ و نیم میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ کاهش یافت.

هتلر مدعی بود که عامل شکست آلمانی ها در جنگ جهانی اول یهودی ها بوده که آلمان را از پشت خنجر زدند. بنابر همین دلیل سران حزب نازی در سال ۱۹۴۲ تصمیم به نابودی یهودها گرفته که بایستی بصورت سیستماتیک اجرا میشد. وقتی به سالهای قبل از جنگ جهانی دوم برگردیم، به نابودی سیستماتیک پی می بریم. طوریکه:

در سال ۱۹۳۳ شبه نظامیان اس-آیا حزب ملی کارگران سوسیالیست آلمان، آلمانی ها را از خریدن مواد مورد ضرورت شان از مغازه های یهودی ها منع نمود.

در سال ۱۹۳۵ پوستر های در سراسر آلمان انتشار یافت که آلمان جای یهودی ها نیست. در همین سال بر اساس قانون نورنبرگ ازدواج آلمانها با یهودی ها و اشتراک یهودی ها در انتخابات ممنوع اعلان شد. همچنان یهودی ها اجازه نداشتند شبها را در بیرون گذرانده و یا بایسکل داشته باشند.

در سال ۱۹۴۰ آلمان بسیاری از یهودی ها را از سراسر آلمان جمع نموده و به گتوها (محلات قوم خاص و یا محله های فقیرنشین) فرستاده و در حالیکه هیچگونه حقوق و درآمدی نداشتند، از گرسنگی جان باختند.

در سال ۱۹۴۱ جوخه های مرگ اس اس آلمان نازی در اروپای شرقی بیش از یک میلیون یهودی را قتل عام کردند.

در نهایت در سال ۱۹۴۲، سران نازی طی جلسه ی در «وانزه» برلین، تصمیم گرفتند که راه حل نهایی در مورد سرنوشت یهودها همانا کشتار جمعی و حذف سیستماتیک شان می باشد و بس.

دادگاه نورنبرگ در پایان جنگ جهانی دوم بوسیله متفقین، آمریکا، فرانسه انگلیس و شوروی بخاطر محاکمه ی نازی ها شامل رهبران سیاسی، نظامی و قضایی آلمان نازی که هلوکاست و سایر جنایات علیه بشریت را برنامه ریزی نموده بودند، از ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ تا اول اکتوبر سال ۱۹۴۶ تشکیل گردید.

از تعداد مجموعی ۲۰۰ تن متهمان، تعداد متهمان اساسی ۲۴ تن بوده که به تعداد ۲۳ تن آنها محاکمه و محکوم به مجازات گردیدند. افراد غایب یا فرار و یا خودکشی نموده بودند.

در دادگاه نورنبرگ از هرکشور متفقین یک قاضی و گروهی از دادستانها معرفی شده بود. متهمان از حق داشتن وکیل مدافع قانونی برخوردار نبودند. دادستانها برای متهمین، مجازات های اعدام و حبس دوام را مطالبه نموده بودند.

آدلف هتلر، هاینریش هیملر (فرمانده نیروهای اس اس) و یوزوف گوبلر (وزیر اطلاع رسانی و آخرین صدراعظم آلمان) بنابر اینکه قبل از ختم جنگ خودکشی نموده بودند، مورد محاکمه و مجازات غیابی قرار گرفتند.

در مجموع به تعداد ۱۱ تن محکوم به اعدام، ۳ تن محکوم به حبس ابد، تعدادی به حبس های ۱۰ تا ۲۰ سال زندان، و از جمله محکومان هم به چوبه های دار آویخته شده، بعدن جسد شان سوختانده شده و خاکستر آنها به رودخانه ایزار ریخته شد.

این تنها نازیست ها به رهبری آدلف هتلر نبودند که مرتکب جنایات نسل کشی یا جنایت علیه بشریت بشیوه ی هلوکاست شده اند، بلکه بمباردمان اتمی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی جاپان به دستور رهبری ترومن رییس جمهور وقت آمریکا نیز از جمله جنایت علیه بشریت یا هلوکاست اتمی میباشد که هرگز به

دادگاه جنایات جزایی جهانی کشانیده نشده و مرتکبین آن محکوم به مجازات نشدند. بخاطر آنکه در پایان جنگها، همیشه جنایات جنگی کشورهای بازنده، مورد بررسی قرار میگیرد. جاپان از جمله کشور های متحدین در جنگ جهانی دوم در حالیکه از اوایل سال ۱۹۴۵ تمایل به تسلیم شدن را داشت، هیچ نیازی به بمباردمان اتمی آن از جانب امریکا وجود نداشت، اولین بم اتمی بنا بر دستور هری ترومن ریس جمهور امریکا به روز ۶ آگست بالای شهر هیروشیما و بم دوم بتاريخ ۹ آگست سال ۱۹۴۵ بالای شهر ناگاساکی جاپان بوسیله هواپیمای بوینگ در ارتفاع ۵۰۰ متری زمین شهر های مذکور رها گردیده که باتولید ۴۰۰۰ درجه سانتی گرت همه چیز را ذوب و بالا فاصله جان ۲۲۰ هزار نفر و تا پایان سال و در سال آینده ناشی از تشعشعات رادیواکتیف بم های هستوی متذکره، شمار تلفات به ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافت.

پرتاب بمب های وحشتناک اتمی در شهر های پر جمعیت هیروشیما و ناگازاکی و قربانی کردن صد ها هزاران نفر مردم غیر نظامی عکس العمل امپریالیست های امریکا و انگلیس در مقابل پیروزی ارتش سرخ در نبرد تاریخی و آزادیبخش استالین گراد بود. امپریالیست ها میخواستند چنین جنایات هولناکی را به عنوان آئینه تمام نمای تمدن بشری به خورد تاریخ دهند و ماهیت جنایتکارانه آن را پرده پوشی نمایند.

در ۷۹ سال پیش در روزهای ۶ و ۹ آگست ۱۹۴۵ امپریالیست های امریکا بمب های اتمی خویش را که قبلا در تاریخ ۱۶ جون در صحرای نیومکسیکو آماده و آزمایش کرده بود، برای زهر چشم گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، برای سرکوب نهضت کارگری، برای ممانعت از اوج نهضت های آزادیبخش و سرانجام برای تامین سرکردگی خویش در منطقه اقیانوس آرام به شهر های هیروشیما و ناگاساکی پرتاب کرد که حدود ۲۲۰ هزار تن از اهالی ملکی بی گناه و بی دفاع در عرض لحظات کوتاه جان دادند. میلیونها خانه ویران شد و هزاران نفر آواره شده و نسلهها در اثر تاثیرات اشعه رادیو آکتیو به انواع و اقسام بیماریها دچار شدند که پس از جنگ در بیمارستانهای "حقوق بشر" امریکائی به وضع آنها رسیدگی گردید تا نتایج تاثیرات انفجارات اتمی را بر روی بدن آنها آزمایش کنند و آمادگی ارتش امریکا را برای مقابله با صدمات ناشی از بمب اتمی مجهز گردانند. امپریالیست های امریکا که در آن زمان نیز با ریاکاری در مورد لزوم پرتاب بمبهای اتمی مدعی بود که پایان دادن هر چه زودتر به جنگ از قربانی شدن افراد بیشتر جلوگیری کرده و در واقع استفاده از بمب اتمی در خدمت نجات بشریت است.

اگر برای یک لحظه این استدلال کودکانه را بپذیریم آنوقت این پرسش هنوز بی جواب میماند که پرتاب بمب اتمی در ناگاساکی چه لزومی داشت؟ چرا پس از پرتاب بمب اتمی در هیروشیما که نتایج غیر قابل تصورش برای هر نوع تسلیمی کفایت میکرد منتظر عکس العمل حکومت جاپان نشدند و با پرتاب بمب دومی دهها هزار نفر دیگر را نیز نابود ساختند. کجای این تناقض با خدمت به بشریت هم خوانی دارد.

ولی حقیقت این است که دولت ژاپن آمادگی تسلیم خویش را به اتحاد شوروی اعلام داشته بود. وزیر امور خارجه جاپان "توگو Togo" به سفیر خویش در مسکو تلگراف زد: "اعلیحضرت امپراتور با توجه به این واقعیت که جنگ کنونی روزانه نتایج وخیمی را نشان میدهد، معتقد است، که... باید فوراً قطع گردد". علاوه بر آن "توگو" از سفیر جاپان می طلبد که دولت شوروی را قبل از تشکیل جلسه سه جانبه متفقین در پتسدام از تصمیم صلح طلبانه دولت جاپان مطلع کند. امپراتور جاپان آماده است شاهزاده "کونویه Konoye" را برای مذاکرات اعزام کند. در این خواست جاپان آمده بود که آنها حاضراند شرایط سخت تسلیم را بپذیرند و مناطق اشغالی را ترک کنند.

پرزیدنت ترومن که از نتایج مثبت آزمایشات اتمی در صحرای نیو مکسیکو مطلع شده بود در ۲۵ جولای سال ۱۹۴۵ به نیروی هوائی دستور داد شهر های ژاپن را از آغاز ماه آگست بمباران اتمی کند. در حالی که ترومن در پی کشتار جمعی یانسل کشی بود دولت جاپان تلاشهای خویش را برای پایان بخشیدن به جنگ و تسلیمی ادامه میداد و میخواست بر سر شرایط تسلیم با متفقین مذاکره کند. امپریالیست های امریکا مخالف مذاکره با جاپان بودند و از سایر دول متفق میخواستند که مطابق توافقنامه فیما بین، جنگ را بر علیه جاپان ادامه دهند و از آتش بس یکطرفه خودداری کنند. این کش دادن زمان مذاکره،

وابستگی کامل با نتایج آزمایشات اتمی در آمریکا داشت. وقتی ترومن با کسب خبر از واشنگتن خاطر جمع شد با یک امضا جان صدها هزار نفر را عزرائیل گونه قبضه کرد. آمریکائیه‌ها حتی لزوم آنرا نیز ندیدند که جاپان را نخست به پرتاب بمب اتم تهدید کنند و از مردم هیروشیما و ناگاساکی بخواهند که شهرها را ترک گویند. تاثیر منهدم کننده بمب اتمی حتی در شهرهای خالی از سکنه جاپان نیز میتوانست به همان انتظاراتی منجر شود که امپریالیستها در آرزوی آن بودند.

از جانبی دلیل و محرک اصلی آن اعلان جنگ از جانب اتحادشوروی بتاريخ ۹ آگست ۱۹۴۵ علیه منچوریا بود. امریکا وانگلیس بخاطر جلوگیری از پیشروی اتحادشوروی بطرف کشورهای آسیایی در منطقه ی آسیا - پاسفیک به چنین اقدامی دست زدند، تا نظم مورد نظر خود را در دوران بعد از جنگ جهانی دوم در منطقه ی آسیا - پاسفیک مشخص سازند ، صرف از پیشروی جیوپولوتیک شوروی مانع شوند. به این اقدام امریکا جز تروریزم دولتی کدام عنوان دیگر نمیتوان داد. چنانچه حمله اتمی امریکا به شهر ناگاساکی جنایتی به مراتب بزرگتر بود، بخاطریکه امریکا بدون ارزیابی تلفات مدحش و سرسام آور هیروشیما، ۳ روز بعدتر به حمله دومی دست زد.

بنابرخود داری امریکا از پذیرفتن واقعیت هلوکاست اتمی آن کشور در اواخر جنگ جهانی دوم در خصوص بمباردمان اتمی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی ، عدالت تخقق نیافت.

از جمله موارد دیگر نسل کشی در سطح جهان همانا نسل کشی در کشور افریقای روندا میباشد. طوریکه در ۶ می سال ۱۹۹۴ هواپیمای حامل روسای جمهور کشورهای روندا و برونندی مورد هدف قرار گرفته و تمام سرنشینان آن کشته شده و اماهرگز عامل ویا عاملین آن شناسایی نشدند. ولی عده ی افراطی های قوم « هوتو » و عده ی دیگر جبهه ملی روندا را مورد اتهام قرار دادند. گارد ریاست جمهوری از موضع قدرت ، ابتدا در پایتخت دست به کشتار توتسی ها و هوتوها زده و سلسله این کشتارها به سایر شهرها گسترش یافته و در طی ۳ ماه تعداد کشته ها که هدف از آن حذف یک قوم بود ، به ۸۰۰ هزار نفر رسید. بر علاوه هوتوها که تعداد شان به ۲ میلیون تن میرسید، کشور شانرا ترک و پناهنده کشورهای همسایه واز جمله در کمپ آواره گان کشور کانگو اقامت گزین شدند. دیده بان حقوق بشر طی گزارش سال ۱۹۹۶ خویش تعداد زنانی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، را بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار تن معرفی نموده است.

در پایان سال ۱۹۹۴ دادگاه جزایی جهانی برای روندا در کشور تانزانیا تشکیل شده که تا هم اکنون این دادگاه مفتوح میباشد. دادگاه متذکره عده ی از رده های بالایی حکومت روندا چون «ژان - پل آکایسو» شهردار «تابا» را به اتهام دست داشتن در نسل کشی مورد محاکمه قرار داده و به مجازات شدید محکوم نمود. طی ۳۰ سال گذشته این دادگاه مفتوح و باز بوده و مرتکبین جنایات نسل کشی روندا را به پای میز محاکمه کشانیده است.

به سلسله نسل کشی های تاریخی یکی هم نسل کشی سریرنیتسا واقع در بوسنیا میباشد. چنانچه نظامیان صرب تحت فرماندهی راتکوملادیچ در ۱۱ جولای ۱۹۹۲ بیشتر از ۸ هزارتن از اهالی غیر نظامی بوسنیایی در شهر سریرنیتسا را به قتل رسانیده و در گورهای دسته جمعی دفن نمودند. بعدها از داخل ۸۵ گور دسته جمعی بتعداد ۶۹۷۴ قربانی در سریرنیتسا و اطراف آن بیرون کشیده شده، بعد از شناسایی دوباره در محل یادبود به خاک سپرده شدند.

دادگاه عدالت جهانی لاهه در سال ۲۰۰۷ بر اساس شواهد و مدارک دادگاه جهانی جزایی یوگوسلاوی با صدور حکمی حوادث سریرنیتسا را نسل کشی اعلام نموده که دادگاه جهانی جزایی یوگوسلاویای سابق در لاهه در سال ۲۰۰۷ جنرال راتکوملادیچ را در ارتکاب جنایت نسل کشی هزاران تن ، به حبس ابد محکوم نمود. دادگاه متذکره همچنان رادوان کاراچچ رهبر پیشین صرب های بوسنی را به اتهام ارتکاب جنایت نسل کشی به ۴۰ سال زندان محکوم نمود. بر علاوه پرونده های متهمان جنایات نسل کشی

سرپریتسا که تعداد شان به ۴۶ تن می رسید، در دادگاه های مختلف مورد بررسی قضایی قرار گرفته و در مجموع ۶۰۰ سال زندان محکوم شدند.

اسلوبودان میلوسویچ رییس جمهوری یوگوسلاویا نیز به اتهام نسل کشی مورد محاکمه ی دادگاه یادشده قرار گرفته و در حالیکه پرونده اش تحت رسیدگی محاکماتی قرار داشت، در سلول زندان وفات نموده و چنین ادعا شد که میلوسویچ خودکشی نموده است.

به سلسله نسل کشی ها و به حساب آخرین مورد تاریخی میتوان به نسل کشی فلسطینی ها در فلسطین اشغالی نام برد که از ابتدای تشکیل دولت صهیونیستی اسرائیل به کمک همه جانبه لندن و واشنگتن در سال ۱۹۴۸، تاکنون این نسل کشی ادامه دارد.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ میلادی، سازمان ملل، طرح تقسیم سرزمین فلسطین به دو کشور اسرائیل و فلسطین که اداره شهر بیت المقدس («اورشلیم» نزد اسرائیل و «قدس» نزد فلسطین) را، به توافق جهانی تصویب کرد. از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۴۷ تا ۱۴ مه ۱۹۴۸ میان شبه نظامیان یهودی و فلسطینی، نبردهای خونینی در گرفت. نهایتاً در ۱۴ مه ۱۹۴۸ هم زمان با پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین، صرف اسرائیل با صدور منشور استقلال، به حیث کشتی جنگی و تخته ی خیز تجاوز، علیه همسایگان عرب و منابع سرشار انرژی منطقه اعلام موجودیت کرده و از تشکیل دولت مستقل فلسطین هرگز خبری نشد. یک روز پس از اعلام استقلال اسرائیل، همسایگان عرب اش برای دفاع از مردم فلسطین بطور هم زمان به اسرائیل حمله کردند که البته متحمل شکست شدند. از آن پس، مجموعه ای از درگیری های نظامی بین نیروهای اسرائیلی و کشورهای عرب رخ داده که مهمترین آنها جنگهای ۱۹۴۸، جنگ ۱۹۵۶، جنگ شش روزه ۱۹۶۷ و جنگ ۱۹۷۳ میباشد.

با حفظ مقاومت قاطعانه و پرتلفات مردم فلسطین، قطعنامه های بی شمار سازمان ملل، کنفرانس ها و گردهمایی ها و فشار های سیاسی و اخلاقی جهانی در حمایت از فلسطین اشغالی و تشکیل دولت مستقل فلسطین، بنابر سرکشی های بی رویه ی حاکمیت صهیونیست ها و حمایت مستقیم مالی، تسلیحاتی و سیاسی امپریالیست های واشنگتن - بروکسل و شرکا هرگز، آرمان برحق مردم فلسطین بخاطر تشکیل دولت قانونی و مستقل شان تحقق نیافته و این معضل منجر به بی ثباتی و قربانی های بی شمار، ویرانی ها و مهاجرت های بی حد و حصر منطوقی گردید. چنانچه امریکا، ۱۴ قطعنامه شورای امنیت را که بخاطر محکومیت تجاوز و کشتارهای ظالمانه اسرائیل صادر گردیده را ویتو نموده است. مرتبط به موضوع حاضر، مساله نسل کشی فلسطینی ها بوسیله صهیونیست های اسرائیل متجاوز و اشغالگر را پیگیری مینمایم.

از جمله جنایات نسل کشی صهیونیست ها، قتل عام کمپ های آواره گان فلسطینی صبرا و شتیلا در کشور لبنان میباشد، این جنایت به تاریخ ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۸۲ به وقوع پیوست. براساس واقعیت های انکارناپذیر و گزارش های دقیق، جنایت صبرا و شتیلا علیه ساکنان این دو اردوگاه به مدت ۳ روز طول کشیده، طوریکه در جریان آن از جمله ۲۰ هزار تن ساکنان دو کمپ متذکره، بیشتر از ۵۰۰۰ تن از آواره گان، اعم از مرد و زن و کودک و سالخورده ها قتل عام شدند که اکثر آنها فلسطینی و تعدادی هم لبنانی بودند که البته توأم با محاصره قبلی صهیونیست ها و بدور از دید خبرنگاران و گزارشگران مرتکب شدند!

یک پژوهشگر یهودی امریکایی بنام «نورمن فینکلشتن»، استاد دانشگاه در کتاب اش بنام «صنعت هولوکاست» مینویسد که هولوکاست سلاح ایدولوژیک برای اسرائیل و جامعه یهودی امریکاست. او میگوید، چگونه اسرائیل یکی از قویترین نیروهای نظامی جهان با سابقه و وحشتناک ی نقض حقوق بشریابهره برداری از هولوکاست خود را بصورت «دولت قربانی» نمایانده، مظلوم نمایی نموده و مبدل به یکی از قویترین ابزارهای سیاسی جهان گردیده که میتوان آنرا معامله گری و استفاده سوء از «بهره برداری از رنج های یهودان» عنوان داد. او اضافه مینماید که مطرح کردن هولوکاست در واقع ترفندیست برای نامشروع جلوه دادن هرگونه انتقاد از یهودیان.

در تداوم نسل کشی های دولت اسرائیل ، بعد از حمله حماس بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ بالای اسرائیل و آغاز حملات سنگین هوایی علیه فلسطینی ها درنوارغزه ، هدف عمده صیهونیست ها بازهم پاک سازی کلی وحذف فلسطینی ها میباشد که اظهارات صریح مقامات دولتی اسرائیل موئید آن میباشد. رهبران دولت اسرائیل در وجود کابینه جنگی آن بخصوص یوآف گالانت وزیر جنگ و آویگدور لیبرمن وزیر مالیه ، باصراحت تمام اذعان داشته اند که هدف نهایی بمباردمانهای هدفمندانه شان حذف کلی فلسطینی ها و مبدل ساختن شهر ۲،۳ ملیونی غزه به زمین سوخته که هرگز قابلیت زیستن را نداشته باشد ، میباشد. آنها این همه تجاوز و دهشت افگنی را «دفاع» عنوان داده ، درحالیکه کشور متجاوز واشغالگری چون اسرائیل نمیتواند از حق دفاع حرفی به میان آورد.

جنگی را که حاکمیت صیهونستی علیه فلسطینیان ادامه میدهد ، کاملن جنگ غیر متعارف و نابرابر که هیچگونه قوانین جنگی در آن رعایت نگردیده و نمی گردد. چنانچه اسرائیل از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ در طی ۱۰ ماه جنگ ۸۵ هزار تن مواد منفجره را بالای شهر ۲،۳ ملیونی غزه با مساحت ۳۶۰ کیلو مترمربع ریخته است که در هر کیلومتر ۶۰۰۰ نفر زنده گی مینمایند.

وبگاه البیان ، با بیان اینکه نوارغزه ۳۶۰ کیلومتر مساحت دارد نوشت ، در واقع از مجموع ۸۵ هزار تن مواد منفجره ، سهم هر یک کیلومتر از غزه ۲۲۰ هزار کیلوگرام مواد منفجره است. این مقدار عظیم مواد منفجره ای که ارتش اسرائیل بر روی نوار غزه ریخته است ، بیشتر از پنج برابر بمب هسته ای امریکایی هاست که در جنگ جهانی دوم در شش اگست ۱۹۴۵ بر روی شهر هیروشیما ژاپن پرتاب شد.

البیان به نقل از دفتر اطلاع رسانی دولتی در غزه نوشت این حجم عظیم از مواد منفجره در سراسر نوار غزه ویرانی های بی حد و حصری را برجای گذاشت ، چنانچه ۱۹۴ مقر دولتی ، ۱۱۰ مدرسه ، ۱۲ دانشگاه ، ۶۰۸ مسجد ، ۱۵۰ هزار واحد مسکونی به طور کامل ویران شده و ۲۰۰ هزار واحد مسکونی دیگر نیز به صورت قسمی توسط رژیم صیهونیستی منهدم شده اند.

دفتر اطلاع رسانی دولتی در غزه اعلام کرد رژیم صیهونیستی ۳۳ بیمارستان ، ۶۴ مرکز بهداشتی و ۱۳۱ مرکز بهداشتی اولیه و عاجل را از مدار خدمات رسانی خارج کرده است. بر علاوه نظامیان متجاوز اسرائیل با نادیده گرفتن قواعد جنگی بیشتر از ۳۲۰ کارمندان سازمانهای کمک رسانی و امداد سازمان ملل متحد را نیز به قتل رسانیده است. جنگ این رژیم در غزه یک فاجعه انسانی بی سابقه را به بار آورده است که بر اثر آن از مجموع ۲،۳ ملیون تن ، ۸۵ درصد آواره شده و بشکل اجباری بطرف جنوب یعنی شهر مرزی رفح رانده شده اند.

رژیم صیهونیستی به روز دوازدهم عملیات طوفان القضا، در اقدامی شنیع، حیوانی و غیرقابل بیان، بیمارستان معمدانی را که محل پناه هزاران تن و معالجه زخمی ها بود، بمباران کرد که طی آن ۸۰۰ نفر قتل عام شدند.

از جمله جنایات دولت صیهونستی ، بمباردمان بی رحمانه کمپ رفح بتاريخ ۲۶ می ۲۰۲۴ میباشد که به تعداد یک ملیون آواره گان در زیر خیمه ها زنده گی مینمودند که در نتیجه بیش از ۴۰ تن کشته و بیشتر از ۱۰۰ نفر جراحت برداشته که این جنایت آشکارا واکنش های شدید جهانی را به همراه داشت. طی مدت ۱۰ ماه جنگ تجاوزکارانه در غزه بیش از ۴۰ هزار تن کشته و بیش از ۸۵ هزار تن زخمی گردیده که بیش از ۶۰ در صد آنها کودکان و زنان بوده و قریب به ۱۲ هزار اجساد در زیر آوار باقیمانده اند، بر علاوه در همچو جنگها بر مبنای عوامل جانبی جنگ ، چون تحمیل قحطی مهندسی شده، قطع آب ، برق ، منابع انرژی عدم دست رسی به درمان و مراکز بهداشتی، شیوع ایپیدی ، نبود ترانسپورت و مخابرات ، رقم تلفات انسانی چندین برابر تلفات نظامی جنگ بوده که میتوان رقم مجموعی تلفات فلسطینیان را به بیش از ۲ سدهزار تن به معرفی گرفت. به ادامه ی سیاست های خشونت آمیز صیهونیست ها در نهایت بیشتر از ۷۰۰۰ تن از شهروندان بیگناه غزه را دستگیر ، شکنجه و زندانی نموده است. بنابر دستور گالانت وزیر

جنگ اسرائیل و این ضد بشر، همه ی نیازمندی های زنده گی چون آب ، برق، موادغذایی و سوخت، ترانسپورت ، مخابرات دارو و... بر روی آواره شده گان رفع قطع گردید. چنین دساتیر و رویکرد های حاکمیت صیهونیستی آشکارا مغایر مفاد کنوانسیون نسل کشی به شمار می آید.

در ماه هفتم جنگ وقتی نظامیان اسرائیلی از شهر خان یونس خارج شدند، چندین گورهای دسته جمعی از آنها بجا مانده بود، طوریکه نظامیان اسرائیلی اهالی بیگناه را گرفتار و درحالیکه دستان شان از پشت بسته شده بود ، تیر باران گردیده و درگور های دسته جمعی دفن شده بودند که از هرگور حداقل ۸۰ جسد و حداکثر بیش از ۱۰۰ جسد بیرون کشیده شده است.

جنايات جنگی ، نسل کشی و جنایت علیه بشریت بوسیله صیهونیست ها واکنش نهاد های حقوق بشری ، سازمان ملل و سران یک عده از کشورها را درقبال داشته است. چنانچه مجمع عمومی سازمان ملل با ۱۵۳ رای شامل ۸۹ درسد نفوس جهان جنایات متذکره ی اسرائیل را محکوم نمود که مثل گذشته در شورای امنیت با «ویتو» امریکا به حیث حامی و مدافع جنایات صیهونیست ها مواجه شد.

فرانچسکا البانزه گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در سرزمین های اشغالی ، اسرائیل را به نسل کشی در غزه متهم کرده و اضافه نمود که دلایل قانع کننده ی موجود است که قبول نمائیم ، نشانه های کافی برای تأیید طرح ریزی جنایت نسل کشی علیه فلسطینیان به عنوان یک گروه در غزه وجود دارد.

رژیم صیهونیستی چنین برنامه ریزی نموده که غزه را به زمین سوخته مبدل نماید ، چنانچه تمام زیر ساخت این شهر شامل جاده های عمومی ، پل ها، شبکه آبرسانی ، فاضل آب ، برق و منابع انرژی ، وسایل ارتباط جمعی و مخابرات، دفاتر دولتی ، بانکها ، کودکستانها ، مکاتب و دانشگاه ها ، بیمارستان ها و مراکز بهداشتی ، مارکیت های مواد اولیه و... را منهدم نموده تا این شهر دوباره قابل زیست نباشد. رژیم صیهونیستی بخاطر نابودی سیستماتیک اهالی غزه ، درحالیکه بیشتر از یک میلیون از شهروندان غزه را بطرف ناحیه سرحدی رفع کوچ اجباری داده و در وضعیت که سدها لاری حاوی کمک های اولیه زنده گی و بهداشتی کشورهای امداد رسان منتظر عبور از گذرگاه بطرف آواره شده گان و پناه جویان رفع اند، اسرائیل گذرگاه رفع را عمدن مسدود نموده و مانع از رسیدن این کمک های زنده گی بخش به هدف بوجود آوردن وضعیت قحطی مهندسی شده و شیوع امراض اپیدیمی در میان نیازمندان رفع گردیده است که در نتیجه سد ها تن از فرط گرسنگی ، ابتلا به امراض گوناگون و عدم دسترسی به خدمات بهداشتی بخصوص کودکان جان های شیرین شانرا از دست داده اند.

حکام صیهونیست در اظهارات شان خلاف موازین حقوق بشری و بدور از کرامت انسانی به توهین و تحقیر فلسطینیان پرداخته اند. چنانچه آریه کینگ معاون شهرداریت المقدس اسرای فلسطینی را نازی خطاب نموده که بایستی زنده بگور شوند. یوآوگالانت وزیر جنگ اسرائیل ، فلسطینی ها را حیوانات خطاب نموده ، و به گفته ی او ارتش اسرائیل با حیوانات انسان نما می جنگد و براساس آن عمل میکند. در نهایت عمیحا الیاهو وزیر میراث کابینه اسرائیل انداختن بم هستوی بالای غزه را پیشنهاد نمود.

به ادامه واکنش ها و دریک اقدام بی پیشینه «اران بوشنل» افسر نیروهای هوایی امریکا در اعتراض به کشتار بیرحمانه صیهونیستها به هدف پاکسازی قومی و نسل کشی فلسطینیان بتاريخ ۲۵ فبروری ۲۰۲۴، در مقابل سفارت اسرائیل در واشنگتن خود را به آتش کشیده و در میان شعله های آتش فریاد میکشید «فلسطینیان را آزاد کنید». بادریغ که تل ابیب و واشنگتن این افسرانساندوست را بیمار روانی؟! بشمار آورده که با تروریستان همدردی نموده است..

سیریلرامافوسا، ریس جمهور افریقای جنوبی در اعتراض علیه اسرائیل در جنگ غزه به استناد اسناد، شواهد و مدارک انکار ناپذیر، اتهامنامه ی علیه جنایات صیهونیست ها در وجود «کابینه ی جنگ» آنها ، در راس بنیامین نتانیا هو صدراعظم اسرائیل ترتیب و همراه با وزیر عدلیه اش به دادگاه عدالت جهانی در لاهه فرستاد که تحت عنوان ۷۵ سال اپارتاید، ۵۶ سال اشغال و ۱۶ سال محاصره غزه آماده شده بود.

ریس جمهور آفریقای جنوبی میگوید که اسرائیل کنوانسیون نسل کشی سال ۱۹۴۸ را نقض مینماید. مطابق آن اسرائیل مکلف است تا مانع از وقوع نسل کشی شود. حمله ۷ اکتوبر حماس جنایات ضد بشری اسرائیل را توجیه نمی کند ، زیرا اسرائیل به کشتار جمعی دست زده ، کنوانسیون متذکره را شدیدن نقض نموده و در نهایت فلسطینیان در هیچ مکانی امنیت ندارند.

دادگاه عدالت جهانی در لاهه بعد از رسیده گی قضایی ، حکم خود را مبنی بر توقف نسل کشی از طرف اسرائیل در غزه اعلام نموده و اسرائیل را مکلف ساخت تا زمینه های ورود و توزیع کمک های اولیه به فلسطینیان را فراهم سازد.

به همین ترتیب دادگاه عدالت جهانی اعمار شهرک نشینی ها از طرف اسرائیل را اشغال دانسته و حکم داده است که این سرزمین های متعلق به فلسطینی ها بوده و به ساخت و سازها در آنجا توقف داده شود. انتنیوگوترش سرمنشی سازمان ملل از حکم دادگاه استقبال نموده و گفت که حکم متذکره را به شورای امنیت ارسال میدارد. امریکا حکم دادگاه مبنی بر نسل کشی فلسطینیان بوسیله اسرائیل را نپذیرفته و اسرائیل نیز حکم دادگاه را مردود شمرده و آنرا به باد تمسخر گرفته و علاوه نمود که دادگاه متذکره را به رسمیت نمی شناسد. چنانچه بر اساس حقایق و ارقام ، در تداوم جنگ ، به جنایات ضد بشری اش در جهت نسل کشی فلسطینیان با شدت هرچه تمام تر ادامه داده و می دهد.

چنانچه ، بتاريخ ۱۸ جولای ۲۰۲۴ پارلمان ۱۲۰ عضوی اسرائیل در مغایرت کامل با حکم دادگاه عدالت جهانی در لاهه ، علیه تشکیل دولت مستقل فلسطین ، قانونی را به تصویب رسانید که تشکیل دولت فلسطین برای موجودیت و بقای دولت اسرائیل خطر حیاتی داشته که بایستی جلوی تشکیل چنین دولتی گرفته شود.

دولت اسرائیل ، با حفظ عضویت در سازمان ملل ، از همان ابتدای تشکیل اش همه ی فیصله نامه ها و قطعنامه های آن سازمان را که در مورد اش صادر گردیده نقض نموده و در ارتکا به واشنگتن و شرکا و حمایت صریح و همه جانبه ی آنها ، بارها اعلام نموده که اصلن دادگاه لاهه را به رسمیت نشناخته و مکلف به قبول و عملی ساختن فیصله های آن نمی باشد.

همه بخاطر دارند که بعد از حمله ۷ اکتوبر حماس به اسرائیل ، رهبران جهان غرب و هم پیمانان شان جهت ابراز حمایت نزدیک و همدردی عمیق به حاکمیت صیهونستی ، به تل ابیب سفر نموده و خودشانرا قبل از همه «یهودی» به معرفی میگرفتند. در حالیکه در نتیجه تجاوز و بمباردمان وحشیانه نیروهای نظامی اسرائیل و ریختن هزاران تن مواد منفجره بالای غزه ، همه روزه سد ها کودک ، زن و سالمند و حتا بیماران غیر نظامی بخاک و خون کشانیده شده و این ضد بشرهای جنایتکار کوچکترین نگاهی به اینها نداشته اند.

به همین ترتیب حمایت آشکار واشنگتن را در سفر ۲۲ جولای ۲۰۲۴ بنیامین نتانیا هو به واشنگتن و زمینه سازی سخنرانی اش در کنگره امریکا مشاهده مینمائیم. نتانیا هو که مطابق حکم دادگاه عدالت جهانی محکوم به نسل کشی فلسطینی ها در جنگ غزه گردیده و حکم بازداشت او و کابینه جنگی اش صادر شده است ، در صحبت ۵۴ دقیقه ای اش ، سناتوران ۵۸ باره پا ایستاده و از این قاتل و جنایتکار جنگ با گرامی استقبال نمودند. شرم و ننگ به کشوری چون امریکا که ادعای حمایت از حقوق بشر را داشته و دموکراسی اش را به سایر کشورها صادر نموده و گویا علیه تروریست ها مبارزه می نماید و اما در واقعیت امر ، واشنگتن این خالق تروریست ها ، از یک فاشیست ، یک قصاب درنده خوواز یک نسل کش چون نتانیا هو چنین استقبال گرم را انجام میدهد. حرف های نتانیا هو واقعیت است که جنگ غزه جنگ امریکا بوده و مطابق صراحت های کنوانسیون نسل کشی ، واشنگتن شریک انکار ناپذیر جنایات نسل کشی اسرائیل و جنایت علیه بشریت میباشد.

این در حالیکه که یک روز قبل از آمدن نتانیا هو ، به دهها هزارتن از حامیان مردم فلسطین ، سازمان یهودیان حامی صلح و سازمانهای مدنی و حقوق بشری در خارج از کانگرس ، یکی از تالار های کانگرس و چند شهر دیگر امریکا به تجمع های اعتراضی زیر عنوان «روز خشم» پرداخته ، پرچم های امریکا ،

اسرائیل و مجسمه های آویزان به دیوار نتانیاهورا به آتش کشیدند. همچنان در یک مورد دیگر پرچم آمریکا را با پرچم فلسطین تعویض کردند. اعتراض کننده ها شعار های را سردادند که نتانیا هو یک جنایتکار تحت پیگرد میباشد. تظاهرات به خشونت کشیده شده و پولیس به پاشاندن سپری مرچ مشکل تنفسی و بینایی به تظاهرکننده گان و خبرنگاران بوجود آورده و تعدادی را هم بازداشت نمودند. همچنان به تعداد ۴۰۰ تن از اعضای سازمان یهودیان حامی صلح دریکی از ساختمانهای کنگره امریکا تجمع نموده و این شعار را علیه نتانیا هو سر داده بودند که « از نام ما نسل کشی نکنید».

اما بر مبنای گزارش ها، در سخنرانی نتانیا هو چیزی تازه ی به نظر نرسیده و تکراری از حرف های گذشته بگوش میرسید. در حالیکه ۱۱۱ تن از اعضای کانگرس تالار جلسه را ترک نموده و یکی از اعضای کنگره بنام رشیده طلب نماینده شهر مشیگن در حالیکه دستمال مقاومت فلسطینی ها را برگردن داشت، بادستان اش پلاکت دو رویه را بلند نموده که روی آن نوشته بود: « نتانیا هو مجرم نسل کشی» و «جنایتکار جنگی» میباشد.

نتانیا هو گفت: «حمله ۷ اکتوبر چندین برابر از حمله ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به برج های تجارت جهانی در نیویارک بوده است، اگر ما با حماس، حزب الله لبنان و یاحوئی های یمن می جنگیم، جنگ ما با ایران است. اگر اسرائیل سقوط نماید، امریکا کشور دوم است. ما باید در کنار هم قرار داشته و پیروزشویم، پیروزی ما پیروزی شما و شکست ما شکست شما میباشد. آدم تابشما اطمینان دهم که پیروز خواهیم شد.» او گفت که «تلفات در غزه کمترین میزان تلفات در جنگ های شهریست»، ما با دشمن مشترک که ایران است می جنگیم، امریکا و اسرائیل قادر به تشکیل یک اتحادیه جنگی در خاور میانه اند.» او مخالفت خود را با تشکیل دو دولت اسرائیل و فلسطین اعلام نموده و آینده غزه را یک اداره غیر نظامی به معرفی گرفته که امنیت آنرا اسرائیل تامین مینماید.

نتانیا هو معترضان خارج کانگرس را « احمق های دست آویز ایران و حامیان تروریست های حماس معرفی نمود». همچنان جمهوری خواهان، اعتراض کننده ها را عوامل ایران دانسته و کاملاهریس را بخاطر انتخابات پیشرواش، در سازماندهی آن متهم نمودند.

توماس ماسی نماینده دموکراتهای کنگره هدف سخنرانی نتانیا هو را تقویت جایگاه در حال تضعیف اش معرفی نمود، چنانچه حزب لیکود به رهبری نتانیا هو از ۳۲ نماینده درکنست (پارلمان اسرائیل) به ۲۰ کرسی سقوط نموده، به این معنی که به مجرد ختم جنگ غزه، از قدرت افتاده و به ارتباط دوسیه های فساد مالی اش مورد بازرسی و محاکمه قرار می گیرد.

نتانیا هو که با سیلی از دروغ ها و ارقام دوراز واقعیت سخنرانی نمود، در دهمین ماه جنگ، به اهداف خودش که نابودی حماس و برگشت گروگانها باشد، نرسیده است. صحبت عوامفربانه ی نتانیا هو و استقبال بی سابقه ی جمهوری خواهان در کنگره با واکنش های همراه بوده است.

انتیوگوترش دبیر اول سازمان ملل گفت که در سخنرانی نتانیا هو به کدام موضوع تازه ی برنخورده است. روزنامه های اسرائیلی، سخنرانی نتانیا هو را «پیروزی در سخنرانی بدوراز واقعیت و باخت در جنگها معرفی نمودند.» رجب طیب اردوغان ریس جمهور ترکیه گفت، که امریکا از یک جنایتکار جنگ و در واقعیت امر، ازادلف هتلر استقبال بعمل آورده است.

در رابطه با استقبال کانگرس از سخنرانی نتانیا هو چنین نتیجه میتوان گرفت که، جنایاتی را که اسرائیل در طول موجودیت غیر مشروع اش، به حیث تخته خیز و کشتی جنگی غرب، بخصوص بعد از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ در زیر چتر حمایت همه جانبه مالی، نظامی و سیاسی واشنگتن در فلسطین اشغالی ارتکاب نموده است، صحنه گذاشته و چراغ سبزی را برای نتانیا هو و دولت صیهونستی نشان داد تا از این به بعد نیز با خاطر جمع به تداوم تجاوز، اشغال و نسل کشی هایش در سرزمین های اشغالی ادامه بدهد.

چنانچه یک هفته از برگشت نتانیا هو به اسرائیل نگذشته بود که بر اساس همین چراغ سبز و برنامه مشترک واشنگتن - تل ابیب، اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس و فاتشوکی یکی از فرماندهان ارشد حزب الله لبنان در تهران و بیروت ترورش شدند، تا ایران را، تحریک به حمله و جنگ مستقیم علیه اسرائیل نموده

وامریکایی ها نیز زیر نام حمایت از دوست استراتژیژیک شان یعنی اسرائیل حضورنظامی و تسلیحاتی شانرا در خاور میانه افزایش داده و وارد جنگ مستقیم گردند. بامشعل شدن چنین جنگی، اسرائیل وحامی امریکایی اش به کدام بردی دست نیافته و تبعات خانمان بر انداز آن بازهم متوجه فلسطینی های بیگناه وجنگزده خواهد بود!

درغیرآن وقتی برای یک هفته کمک های مالی وبخصوص نظامی واشنگتن بوسیله پل هوایی ۲۴ ساعت فعال واشنگتن - تل اوئیو متوقف گردد، اسرائیل توان نفس کشیدن را نخواهد داشت. در واقع حاکمیت صیهونستی به حیث عوامل نیابتی، جنگ واشنگتن را به دفاع از منافع امریکایی ومجتمع نظامی- صنعتی آن ادامه میدهد. واشنگتن وتل اوئیو درجنگ جاری به اهداف شان نایل نیامده ونخواهند آمد. اینبار وضعیعت متفاوت تر از گذشته است. اسرائیل دروضعیت دشوار جنگی قرارگرفته، اقتصاد اش آسیب شدیدی دیده واز نگاه سیاسی واخلاقی، هم از داخل وهم درسطح جهانی این جنگ را باخته است. ازجانبی سرنوشت ساز تراز همه، موضع جسورانه وقاطعانه، همانا ایستاده گی شجاعانه ی جنبش مقاومت فلسطین وحامیان منطقوی وجهانی شان در برابر اینهمه تجاوز، دهشت افگنی، قتل عام ونسل کشی صیهونیست هاست که سرنوشت جنگ را به نفع جنبش مقاومت فلسطین رقم زده است. چنانچه با حفظ اینهمه خشونت وفشار وتلفات انسانی و ویرانی ها وآنهم در یک جنگ نابرابر، تاآخرین فرد وآخرین نفس ایستاده گی دارند. واقعن اراده یک ملت مصمم را نمیتوان شکست.

با آنچه گفته آمدیم، به این نتیجه میرسیم که تاوقتی امپریالیزم جهانی در راس واشنگتن با پیروی از اصول «سلطه وتابعت» در جهان تک قطبی حاکم باشد، نمیشود از استقرار صلح وقطع جنگ حرفی به میان آورد. واما بامطرح شدن قدرت های نوظهورچون روسیه وچین واتحادیه کشورها در وجود بنیاد های بریکس وشانگهای، موانع بزرگ واثرگذاری در برابر یکه تازی وقلدر مآبی امپریالیست هاست. ما شاهد شکست های پیاپی امپریالیست ها در افغانستان، عراق، سوریه، اوکراین وغزه هستیم. نظام یک قطبی به سردمداری واشنگتن درحال وفول بوده ودر عوض سیستم چند قطبی جهانی زیر شعار بزرگ «تامین منافع متقابل، عادلانه ومشترک همه ی کشورها در نظم نو جهانی» در حال شکل گیری واستقرار است.

ح «حریف» - آلمان

آگست ۲۰۲۴